

شماره دهم

# مَجَلَّةُ اِرْمَعَانُ

سال پانزدهم

دی ماه

ژانویه

۱۳۱۳ شمسی

۱۹۳۵ - مسیحی

نایس برن ماه ۱۲۹۸ شمسی

مدیر و نگارنده وحید دستگردی

## جواب تایمز لندن

شماره پیش در پایان مقاله تایمز لندن ۲۷ سپتامبر که بمناسبت جشن فردوسی نگاشته و ترجمه آن درج شده بود وعده دادیم که سخنان بی پایه و مایه آن را جواب دهیم و اینک پس از تمهید يك مقدمه مختصر بجواب خواهیم پرداخت.

### مقدمه

پوشیده نیست که مستشرقان دانشمند اروپا یعنی معدودی از آنان که بهره از ذوق فطری و شعرشناسی داشته‌اند بتاریخ شعر و ادب فارسی کمک و همراهی شایانی کرده و فارسی زبانان همیشه از این دانشمندان سپاس گذار خواهند بود. ولی این نکته را هم نباید فراموش و از نظر دور داشت که بیشتر از کسانی که نام مستشرق بخود نهاده و کسب شهرت دروغی کرده‌اند از ذوق شعر و سخن بی بهره و مسلم در زبان مادری خود هم شعرشناس نبوده‌اند تا بزبان فارسی چهرسد و بهمین سبب زبان‌های بزرگ از آنان بشعر و سخن و زبان فارسی رسیده و می‌رسد. این گونه مستشرقان بی ذوق بمحض اینکه مدرسه‌السنه شرقیه ممالکت خود را طی کرده و شکسته بسته توانستند بفارسی سخن گویند یا یک کتاب فارسی را

تفهمیده بخوانند وارد میدان شعر و سخن فارسی شده در همه چیز دخالت و حکمیت می کنند .

حق مداخله در زبان فارسی و حکمیت میان شعرا و گویندگان مخصوص اهل زبان و کسانیست که در علوم ادبیه استاد و خود دارای ذوق سلیم بلکه شاعر کامل عیار باشند و این موهبت از مدرسه تنها نصیب کسی نیست و بیگفتار قاآنی :

رموز علم ادربیسی بود ذوقی نه تدریسی

چه داند هوش ابلیسی رموز علم الاسماء

بزرگترین زبانی که از طرف اینگونه مستشرقین بر زبان و شعر فارسی رسیده و میرسد اینست که بسبب فقدان ذوق شعر و ادب میان شعر شاعر و مهملات ژاژ خوابان فرقی نگذاشته و دیوان (دشاد ملک معارف قمی) را اگر با خط و تذهیب خوب یا چاپ اعلی در دست آنان بدهی فوری برتری او را از سعدی و حافظ تصدیق کرده و او را مؤسس انقلاب خوانده و نخستین کسی می شمارند که با اصول و قواعد فصاحت و بلاغت و نحو و صرف فارسی پشت پا زده و میدان وسیعی برای ادبیات جدید باز کرده است !!

این گونه سخنان از زبان يك مستشرق معروف ولی بی ذوق و فرومایه باعث می شود که جوانان با ذوق فریب خورده از راه حقیقی فصاحت منحرف و در سنگلاخ فصاحت و نادانی ذوق آنان نیست و نابود می شود . نه تنها جوانان بلکه از پیران و برنایان بسیاری را می شناسیم که بدین گونه سخنان فریب خورده در مقام شعر بی وزن و قافیه گفتن برآمده خود را سخرد جماعت و انگشت نما و رسوای ابدی ساخته اند گرچه امروز نسبت باین گونه مستشرقان عقیده مندی در کار نیست و پایه و معایب آنان بر دانشمندان و سخن شناسان ایرانی آشکار است و همه دیده اند که چگونه يك مستشرق سعدی پرست دلشاد ملک معارف را بر اساتید بزرگ باستان

رحبجان نهاد و بدین وسیله ثابت کرد که سعدی پرستی او از راه فهم و ذوق نبوده و هر چه راجع بسعدی هم نوشته است مسلم همه غلط و از حقیقت دور است ولی باز برای آنکه جوانان ما فریب این اشخاص را نخورده و بدانند که راه شعر و شاعری همان طریقی است که سعدی و نظامی و فردوسی پیموده اند نه این راهی که دلشاد ملک معارف می پیماید ما ناگزیریم که سخنان تایمز را که از زبان همین گونه مستشرقان گرفته است باجمال جواب بدهیم

تایمز لندن می نگارد : « پروفیسور برون فقید می نویسد که تقریباً تمام ایرانیان تحصیل کرده قادر بنظم اشعار خوب می باشند و اکثر نیز شهر می گویند و چون شعر دارای قواعد مخصوص معینی است اگر یکصد غزل از صد شاعر مختلف چهار قرن اخیر انتخاب شود و تخصص و وقایع زمان در شعر نباشد هیچکس نمی تواند تشخیص بدهد که غزل راجع بچه زمان و از کیست »

اگر مقصود پروفیسور برون فقید از شعر همان گونه اشعار است که از قید اصول فصاحت و بلاغت و وزن و قافیه آزاد است البته حق با اوست و تمام فارسی زبانان عالم شاعرند و اگر از شعر معنای حقیقی مقصود است میتوان گفت شاعر در این زمان وجود عنقا و کیمیا دارد و چنانچه یکی از شعرای مصری گفته و ما ترجمه آنرا در قسمت آثار انجمن نظامی نگاشته ایم باید گفت : هر چه شاعر زیاد شد شعر کمتر گشت !

اما اینکه گفته است که چون قواعد و اصول شعر تغییر ناپذیر است بدین سبب شعرای چهار قرن همه با هم برابرند و تشخیص نمی توان داد سخنی است بکلی از حقیقت دور و بنا بر این لازم می آید که تمام علما و صنعتگران عالم چون اصول و قواعد آنان در هر صنعتی یکی است یکدام برتر از دیگری نباشند .

گوینده این سخن گوئی تمام ذوق هارا از خود قیاس گرفته زیرا صد دیوان  
 شعر از چهار قرن اخیر بدست او رسیده و هیچکدام را بر دیگری رجحان نهاده  
 است مگر از راه تخلص و بیت آخر غزل است. ...  
 تایمز لندن می گوید: سعدی بعد از حافظ در غزل شخص اول است!  
 در اینجا ایرادی که بتایمز وارد است اینست که چرا دلشاد ملک معارف  
 را بسبب انقلاب ادبی و اینکه وزن و قافیه را دور انداخته بر حافظ مقدم نداشت!  
 تایمز می گوید: شیرینی غزلیات فارسی زیادتر منوط بکلمات دلپذیر  
 و الفاظ مطبوعی است که بکار رفته نه افکار و معانی زیرا مضامین منحصر است  
 آنچه قدما ابتکار کرده اند الخ ...

این سخن دلیل بر اینست که نگارنده تایمز هیچ گونه ارتباطی با شعر فارسی  
 نداشته و اگر از مستشرقی این سخن را گرفته است ذوق او هم بسیار نارسا بوده  
 است زیرا هر کس مصداق حقیقی شاعر واقع شد در هر زمان که باشد از باستان  
 و تازه مسلم دارای مضامین بکر و ترکیبات لفظی مخصوصی است زیرا شاعری  
 جز این نیست آری یک سلسله تشبیهات و استعارات هستند که عمومی شده اند و  
 اختصاص به هیچ شاعری ندارند. ...  
 از قبیل تشبیه رخسار بخورشید و قامت بسرو و کبوسو شب و امثال آنان  
 و این سخن در کتب فصاحت عنوان مخصوص دارد. نگارنده بی اطلاع تایمز  
 این گونه تشبیهات عمومی را خاص شعرای باستان دانسته و غیر ازین تشبیهات  
 چیز دیگری از درباهای مواج سخن فارسی ندیده و نشنیده است. تایمز لندن  
 تعجب کرده است از اینکه شاهنامه فردوسی بآلکه راجع پادشاهان کبان و ساسان

پیش از اسلام است اینهمه استنساخ شده و باقی مانده ولی شاهنامه حمدالله مستوفی  
موسوم به (ظفرنامه) بالینکه راجع بحالات سلاطین اسلامی است يك نسخه از آن  
بیشتر باقی نمانده است.

اگر نگارنده تایمز ذوق شناختن شعر فارسی داشت و تقاد سخن بود  
البته تعجب نمی کردومی دانست که شمر فردوسی قابل بقاست و بسبب عظمت مقام و پایه  
ومایه فصاحت اینهمه استنساخ شده ولی ظفرنامه حمدالله مستوفی در نزد اهل ذوق  
و ایرانیان بزحمت نوشتن ارزش نداشته بعلاوه پادشاهان کیان و ساسان در نزد  
ایرانیان بسی محبوب ترند از پادشاهان ترك و مغول و سایر بیگانگانی که بنام اسلام  
خرابی کشور ایران را باعث و بانی شده اند.

تایمز لندن تاریخ ادبیات برون و منتخبات ادبیات فارسی تالیف وی را قابل  
تقدیس شمرده و نیز در پایان مقاله از مجموعه هائی که راجع به منتخبات اشعار فارسی  
نشر یافته بسبب اینکه اشعار انقلابی بی وزن و قافیه و مخالف اصول در آنها دیده  
می شود تعریف و تمجید را واجب شمرده و شعرای انقلابی را باز کنندگان میدان  
جدید برای ادبیات این ملت قدیم شمرده است.

این سخنان مطابق ذوق يك انگلیسی است که ادا از شعر فارسی اطلاع  
نداشته و ندارد و گمان می کند که بی وزن و قافیه و حسن ترکیب لفظ و ابتکار  
معنی در فارسی هم مثل انگلیسی می توان شعر گفت.

تالیفات برون هم مخصوصاً منتخبات فارسی وی مطابق ذوق نگارنده تایمز  
است و نمونه که از شعر فارسی در آنجا دیده می شود از شعرای فارسی نیست و  
بیشتر از سخنان بیهوده ژاژ خویان قرن اخیر اوراق منتخبات را پر کرده است.

علاوه بر این نگارنده تا میز با بروفسور برون ققید گویا خبر نداشته و ندانند که ترك وزن و قافیه و اصول و قواعد شعر منحصر بشعراى این زمان نیست و در قدیم هم جاهلان بی ذوق اینکار را کرده اند و دیوان (اشعری) که با کمال شجاعت و وزن و قافیه را دور انداخته اکنون در دست ماست .

شاید اگر نسخه تهیى دیوان اشعری بلندن رسیده بود قسمت مهم منتخبات برون را بهمین مناسب فرا میگرفت ولی بدبختی اشعری دیوان او را بدست ما داده و از ترقی او معانت کرده است ، در باب دیوان اشعری و نمونه اشعار انقلابی وی و اینکه در میدان انقلاب حق سبق با اوست در سالهای پیشینه ارمغان مفصل سخن رانده و در اینجا بتکرار نمیرد انیم .

### انجمن نظامی (۱)

( قطعه )

از حکیمی کس این سخن برسد که بهین عضو چیست کانساز است  
گفت به زان میان دل است و زبان گسریندیشی و بسگوئی بر است  
ور زبان گوید آن سخن که دروغ با دل اندیشد آنچه نا بر جاست  
هم بتر عضو ما زبان و دلست ما مع علوم این بنزدیک بخردان پیداست  
« محمد علی ناصح »

( قطعه )

ترجمه از ادیبات مصر

نیک گفت این سخن سخن خنور مصر کز خرد نیک بود برخوردار  
کار ساز متاع چون شد بیش بیش گردد متاع در بازار

انجمن بنام حکیم نظامی مرکب از معدودی فضلا و شعراى دانشمند و تقریباً سه سال است در خانه مدیر ارمغان دایر و بیشتر کار این انجمن تاکنون مقابله و تصحیح خمه نظامی بوده است بعد ازین برای درج آثار ادبی اعضای انجمن نظامی در مجله ارمغان باب تازه مفتوح خواهد بود .